



A Jurisprudential–Legal Systematization of Artificial Intelligence in Confronting Cultural Threats

Seyedeh fatemeh Tabatabaee¹ | Mahdiah Latifzadeh*²

1. - Associate Professor, Islamic Jurisprudence and Law Research Group, Institute of Islamic Studies in the Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, Email: fatabatabaee@uk.ac.ir
2. Assistant professor of private law, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Institute for Islamic Studies in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: latifzadeh@um.ac.ir

Volume info

Vol. 5
Series: 18
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
10 September 2025

Revised:
24 February 2026

Accepted:
21 April 2026

Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

With the accelerating pace of technological development, artificial intelligence (AI), as a strategic instrument of governance, has simultaneously generated civilizational opportunities and facilitated the emergence of complex soft threats that directly target national security and the foundational elements of societies' cultural identity. Consequently, the establishment of a coherent jurisprudential–legal framework within this ecosystem is regarded as an unavoidable necessity for safeguarding cultural boundaries against external infiltration. Employing a descriptive–analytical methodology and grounded in the intellectual framework of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, this study seeks to articulate the jurisprudential and legal requirements governing artificial intelligence in response to contemporary forms of soft warfare. The findings indicate that challenges such as organized cultural invasion, the penetration of Western lifestyle patterns, the erosion of Islamic and revolutionary values, the destabilization and disintegration of the family as a sacred social institution, the degradation of national–religious identity, destructive media domination, cultural laxity, the promotion of permissiveness and moral relativism, and the distortion of historical realities in the form of “narrative warfare” constitute the most serious risks in this domain. In response to these threats, the article emphasizes the overarching approach of “Islamization” as a higher-order objective and proposes a framework grounded in fundamental Islamic legal principles, including the obligation to preserve the Islamic system, adherence to public interest (maṣlaḥa) and justice, the principle of negation of domination (nafy al-sabīl) aimed at preventing non-Muslim hegemony, the no-harm principle (lā ḍarar), and the obligation to cooperate in righteousness alongside the prohibition of cooperation in sin. These principles are articulated in conjunction with legal regulatory requirements. Anchored in a “three-tier civilizational model” comprising purpose, normative standards, and enforcement mechanisms, the proposed framework provides a foundational basis for cultural policymaking. Beyond the imposition of restrictive measures, it functions as a positive and guiding paradigm for aligning the development and deployment of artificial intelligence with the higher objectives of the Islamic system.

Keywords: Cultural Security; Cultural Invasion; Cyberspace Governance; Public Interest (Maṣlaḥat al-Niẓām); Generative Artificial Intelligence

Cite this Paper: Tabatabaee F & Latifzadeh M. (2026). A Jurisprudential–Legal Systematization of Artificial Intelligence in Confronting Cultural Threats. *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(18), 56-82. [10.47176/cir.2508.1294](https://doi.org/10.47176/cir.2508.1294)



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



نظام‌سازی فقهی - حقوقی هوش مصنوعی در مقابله با تهدیدات فرهنگی

سیده فاطمه طباطبائی^۱ | مهدیه لطیف‌زاده^۲

۱- دانشیار، گروه پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشیار مأمور گروه فقه و حقوق پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: fatabatabaee@uk.ac.ir

استادیار، حقوق خصوصی، گروه پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: latifzadeh@um.ac.ir

چکیده

با شتاب روزافزون فناوری، هوش مصنوعی به مثابه ابزاری راهبردی در حکمرانی، ضمن ایجاد فرصت‌های تمدنی، بستر شکل‌گیری تهدیدات نرم‌افزاری پیچیده‌ای شده است که امنیت ملی و بنیان‌های هویت فرهنگی جوامع را هدف قرار می‌دهد. از این‌رو، استقرار یک نظام فقهی - حقوقی منسجم در این زیست‌بوم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای صیانت از مرزهای فرهنگی در برابر نفوذ بیگانه تلقی می‌گردد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با محوریت منظومه فکری مقام معظم رهبری به تبیین الزامات فقهی و حقوقی هوش مصنوعی جهت مقابله با این جنگ نرم می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌هایی نظیر تهاجم فرهنگی سازمان‌یافته، نفوذ سبک زندگی غربی، تضعیف ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تزلزل و فروپاشی نهاد مقدس خانواده، تخریب هویت ملی-دینی، سلطه‌گری مخرب رسانه‌ای، ولنگاری فرهنگی، ترویج اباحه‌گری و بی‌قیدی، و همچنین تحریف حقایق تاریخی در قالب «جنگ روایت‌ها» از جدی‌ترین مخاطرات این حوزه محسوب می‌شوند. در مقام پاسخ‌دهی به این تهدیدات، این مقاله ضمن تأکید بر رویکرد کلان «اسلامی‌سازی» به عنوان یک هدف عالی، چارچوبی مبتنی بر قواعد فقهی شامل «وجوب حفظ نظام»، «رعایت مصلحت و عدالت»، «قاعده نفی سبیل» (جهت نفی سلطه کفار)، «قاعده لاضرر» و «وجوب تعاون بر برّ و حرمت تعاون بر اثم» را در کنار الزامات حقوقی پیشنهاد می‌دهد. این الزامات با تکیه بر یک «الگوی تمدنی سه‌سطحی» (شامل غایت، ضابطه و ضمانت اجرا) بستری بنیادین برای تدوین سیاست‌های فرهنگی فراهم می‌آورند که فراتر از اعمال محدودیت‌های سلبی، به عنوان راهنمایی‌ای برای جهت‌دهی همسوسازی توسعه هوش مصنوعی با اهداف متعالی نظام اسلامی عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: امنیت فرهنگی، تهاجم فرهنگی، حکمرانی فضای مجازی، مصلحت نظام، هوش مصنوعی مولد.

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۸

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱

الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵



استناد: طباطبائی، سیده فاطمه؛ لطیف‌زاده، مهدیه. (۱۴۰۵). نظام‌سازی فقهی - حقوقی هوش مصنوعی در مقابله با تهدیدات فرهنگی؛

مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵(۱۸): ۵۶-۸۲. [10.47176/cir.2508.1294](https://doi.org/10.47176/cir.2508.1294)



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)



OPEN ACCESS

مقدمه

در این برهه از زمان دشمن با ابزار فراوان، به سنگر مبارزات فرهنگی با نظام جمهوری اسلامی پناه برده است (Khamenei, 1994, September 12). این تهدیدات فرهنگی که در قالب «یک آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب» (Khamenei, 1991, December 11) نمود یافته، امروزه با ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته است. رهبری معظم انقلاب اسلامی تهاجم فرهنگی را در دو سطح استفاده از ابزارهای فرهنگی مانند تبلیغات، هنر، کتاب و هجوم به فرهنگ انقلابی حاکم بر ذهنیت جامعه و تلاش برای سست کردن پایه‌های فرهنگی و عقیدتی (Khamenei, 1994, September 12) تبیین می‌کنند. ایشان نسبت به «ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ» در دستگاه‌های فرهنگی هشدار می‌دهند (Khamenei, 2016, June 5).

در میان پیشرفت‌های فناوری، هوش مصنوعی، علی‌رغم فرصت‌های بی‌شمار، می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای تقویت تهدیدات فرهنگی تبدیل شود. تهدید نرم‌افزاری دشمن در حوزه هوش مصنوعی عبارت است از کاربست نظام‌مند الگوریتم‌های یادگیری ماشین به‌منظور مهندسی ادراک عمومی و تغییر باور، ارزش یا رفتار جامعه هدف بدون اعمال زور سخت. پیشرفت سریع هوش مصنوعی نگرانی‌های روزافزونی را در مورد تأثیر این فناوری بر حقوق بشر و آزادی‌های مدنی ایجاد کرده است. ریس (Risse, 2019) معتقد است که سیستم‌های هوش مصنوعی ظرفیت تأثیرگذاری تقریباً بر تمام حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارند. در مواجهه با این چالش‌ها، رهبری انقلاب اسلامی راهکار اصلی مواجهه با کار فرهنگی باطل را کار فرهنگی حقّ می‌داند (Khamenei, 1994, September 12). بر این اساس، رویکردی به‌منظور اثبات صلاحیت حکمرانی اصولی در مواجهه با فناوری‌های نوین ضروری می‌نماید. هدف اصلی این مطالعه، ایجاد یک چارچوب بنیادین برای نظام‌سازی و ترسیم الگوی سه لایه تمدن‌ساز (غایت، ضابطه، ضمانت) است. این چارچوب با استنباط و استخراج الزامات فقهی - حقوقی کاربردی برای مواجهه با چالش‌های فرهنگی ناشی از پیشرفت‌های هوش مصنوعی تدوین می‌شود. در جهت تبیین الزامات فقهی و حقوقی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای باید به دو سؤال پاسخ داد. الف - اهم تهدیدات فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چه می‌باشند؟ ب - اهم الزامات فقهی و حقوقی پیشنهادی در هوش مصنوعی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی مذکور، چه می‌باشند؟

۱- پیشینه پژوهش

در واکاوی پیشینه پژوهش، ادبیات موجود در دو محور اصلی «امنیت فرهنگی در اندیشه مقام معظم رهبری» و «تهدیدات و اخلاق هوش مصنوعی» قابل طبقه‌بندی است. در محور نخست، سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» مؤلفه‌هایی نظیر وابستگی و خودباختگی فرهنگی، بحران هویت، تهاجم و سلطه فرهنگی را به عنوان مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده تبیین نموده‌اند. همچنین حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» تهدیدات این حوزه را در قالب مفاهیمی چون اسلام‌زدایی، تهی‌سازی انقلاب از درون، ترویج فساد و سبک زندگی غربی و ناکارآمدی برخی مدیران اجرایی فرهنگی احصا کرده‌اند. در محور دوم که به منابع لاتین و مخاطرات فناوری اختصاص دارد، کاوولیونایتیه - راگوسکینیه (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش هوش مصنوعی در فرایند دستکاری افکار: اهمیت و راهبردهای پیشگیری» نشان می‌دهد که هوش مصنوعی ظرفیت دستکاری افکار عمومی و تغییر جهت‌دار رفتارهای فرهنگی را به شدت افزایش داده است (Kavoliūnaitė-Ragauskienė, 2024). با وجود این مطالعات، کماکان خلأ پژوهشی مشهودی در زمینه «تدوین الزامات فقهی و حقوقی حکمرانی هوش مصنوعی با رویکرد صیانت فرهنگی مبتنی بر اصول نظام جمهوری اسلامی ایران» وجود دارد.

۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تخریب و تحلیل اهم الزامات فقهی و حقوقی هوش مصنوعی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی می‌پردازد. در این راستا با رویکرد تحلیل مضمون، تهدیدات فرهنگی ناشی از فناوری هوش مصنوعی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی و اهم آن را استخراج می‌نماید. ساختار روش‌شناختی پژوهش مبتنی بر سه مرحله متوالی و مکمل است: نخست، مفهوم‌شناسی دقیق و تبارشناسی نظری مفاهیم محوری؛ دوم، تحلیل محتوای کیفی بیانات رهبری در حوزه تهدیدات فرهنگی و استخراج شاخص‌های کلیدی و در ادامه، تطبیق این شاخص‌ها با تهدیدات نوظهور ناشی از کاربرد فناوری‌های هوش مصنوعی؛ و سوم، تخریب و تدوین الزامات فقهی و حقوقی که دارای بالاترین سطح تعمیم‌پذیری (عام بودن) و استناد به ادله قطعی در فقه امامیه

باشند برای حکمرانی هوش مصنوعی با رویکرد صیانت فرهنگی که مبتنی بر اصول فقهی - حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۳- سؤالات پژوهش

- ۱- مهم‌ترین تهدیدات نرم فرهنگی ناشی از کاربست و توسعه هوش مصنوعی از منظر منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟
- ۲- الزامات فقهی و حقوقی نظام‌ساز برای حکمرانی هوش مصنوعی در مواجهه با این تهدیدات فرهنگی، با تأکید بر اصول فقهی و حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران، چیست؟

۴- مبانی نظری

این پژوهش بر مفهوم فرهنگ، ماهیت تهدیدات نرم و تبیین تهدیدات فرهنگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای استوار است. در زبان فارسی، واژه «فرهنگ» مرکب از «فر» به‌عنوان پیشاوند و «هنگ» برگرفته از ریشه اوستایی «ئنگ» به معنای کشیدن و فرهیختن است (Dehkhoda, 1994: 1510). از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ مجموعه‌ای از عناصر سازنده فکر و عمل انسان است که بر اندیشه، جهان‌بینی و نوع تلقی فرد و جامعه از هستی و آفرینش ابثنا دارد. ایشان تمدن را متکی بر فرهنگ دانسته و هویت ملت‌ها را برآمده از ویژگی‌ها و مزیت‌های فرهنگی آنان می‌دانند (Khamenei, 2019, May 1). بر این اساس، هویت فرهنگی امری بنیادی تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که زوال آن به معنای نابودی واقعی یک ملت و سلب حیات اجتماعی آن خواهد بود (Khamenei, 2014, July 12). تهدید در لغت به معنای ترساندن دیگری از طریق وعده انجام عملی علیه او یا متعلقانش تعریف شده و می‌تواند حوزه‌هایی نظیر امنیت، اقتصاد و فرهنگ را دربر گیرد (Shahroudi, 2005: 671). آیت‌الله خامنه‌ای تهدیدات دشمن را به دو دسته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرده و تهدید نرم‌افزاری را مهم‌ترین و مؤثرترین سطح تهدید برمی‌شمارد (Khamenei, 2025, February 17). ایشان با تأکید بر نقش نهادهای تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی، بر ضرورت شناسایی نفوذ فرهنگی دشمن و نقاط آسیب‌پذیر جامعه تصریح دارند (Khamenei, 2025, February 17)؛ امری که در شرایط کنونی با توسعه ابزارهای نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، ابعاد پیچیده‌تری یافته است.

تهدیدات نرم فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، بخش مهمی از چالش‌های پیش‌روی جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و به‌طور مکرر در بیانات ایشان بازتاب یافته است. باز استخراج این تهدیدات در این پژوهش، با وجود مطالعات پیشین، ناظر به تحلیل مضمون در بافت زمانی و گفتمانی جدید است تا تحولات مفهومی و تغییر اولویت‌ها بازشناسی شود. از آنجا که هدف اصلی تحقیق، استنباط الزامات فقهی و حقوقی مقابله با تهدیدات نرم فرهنگی است، تنها به گزیده‌ای از مهم‌ترین مصادیق مرتبط پرداخته شده است. بر این اساس، تهاجم فرهنگی و نفوذ غرب، تضعیف ارزش‌های اسلامی و انقلابی، تزلزل و فروپاشی نهاد خانواده، تخریب هویت ملی و دینی، قدرت مخرب رسانه‌ها، ولنگاری فرهنگی، ترویج اباحه‌گری و بی‌قیدی، تحریف تاریخ و جنگ روایت‌ها، از مهم‌ترین تهدیدات فرهنگی مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای محسوب می‌شوند.

جدول-۱. تحلیل مضمون تهدیدات فرهنگی در بیانات رهبری

کد	مضمون اصلی	مضامین فرعی	واحد تحلیل (نقل قول)
TF-01	تهاجم فرهنگی و نفوذ غرب	ابزارهای متنوع تهاجم فرهنگی	«دشمن در این برهه از زمان به سنگر مبارزات فرهنگی با نظام جمهوری اسلامی پناه برده است. دشمن هم ابزار زیادی دارد.» (۱۳۷۳/۰۶/۲۱)
TF-01		تغییر استراتژی دشمن به سمت فرهنگ	«بعد از آن‌که دشمن با ابزارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی نتوانست... به ابزارهای فرهنگی... پناه آوردند.» (۱۳۷۳/۰۶/۲۱)
TF-02	تضعیف ارزش‌های اسلامی و انقلابی	حمله به ارکان معنوی	«در جنگ نرم، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها...» (۱۳۸۸/۰۷/۰۲)
TF-02		حساسیت‌زدایی نسبت به اصول انقلاب	«یکی از کارهایی که امروز به‌شدت در برنامه‌ریزی‌های دشمنان انقلاب مطرح است، حساسیت‌زدایی نسبت به اصول انقلاب است.» (۱۴۰۰/۱۰/۱۹)
TF-02		تضعیف حاکمیت دین	«اصول انقلاب در درجه‌ی اول، مثل حاکمیت دین... این را تضعیف می‌کنند.» (۱۴۰۰/۱۰/۱۹)

TF-03	فروپاشی و تضعیف نهاد خانواده	ترویج مادی‌گرایی	«فرهنگ بی‌بندوباری، بی‌دینی، خودپرستی... فرهنگ‌های غلطی است که امروز غرب دچار آن است.» (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)
TF-03		ترویج الگوهای رفتاری غیراسلامی	«صداوسیما می‌تواند آن‌چنان فرهنگ‌سازی کند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل‌الله... در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران می‌خواهند عکسش اتفاق بیفتد.» (۱۳۹۲/۰۲/۲۱)
TF-04	تخریب و تضعیف هویت ملی و دینی	تضعیف هدفمند هویت ملی	«آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می‌خواستند... می‌دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آن‌ها ناسازگار خواهد بود.» (۱۳۸۳/۰۲/۲۸)
TF-04		تلاش برای نابودی نمادهای هویتی	«ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان... افراد برجسته پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند!» (۱۳۸۳/۰۲/۲۸)
TF-04		اهمیت حیاتی هویت فرهنگی	«هویت ملت‌ها عبارت است از مشخصه‌های فرهنگی آن‌ها... اگر چنانچه این از یک ملتی گرفته بشود، این ملت هضم خواهد شد.» (۱۳۹۳/۰۴/۲۱)
TF-05	قدرت مخرب رسانه‌ها	برتری تأثیر رسانه بر سلاح	«امروز مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیا رسانه است... تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است.» (۱۳۸۳/۰۲/۲۸)
TF-06	ولنگاری فرهنگی	بی‌اهتمامی به امر فرهنگ	«در مسئله‌ی فرهنگ، در دستگاه‌های یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد.» (۱۳۹۵/۰۳/۱۶)
TF-07	ترویج اباحه‌گری و بی‌قیدی	سلب تقیدات و تکیه‌گاه‌های معنوی	«یکی از مسائلی که دشمن به‌طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند، مسأله اباحیگری است... پابندی‌ها و تقیدات و تکیه‌گاه‌هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می‌کند، از او گرفتن.» (۱۳۸۰/۰۵/۱۱)

TF-07		تضعیف ایمان و اعتقاد به انقلاب	«یکی از سیاست‌های دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آن‌ها به انقلاب را سلب کنند.» (۱۳۸۰/۰۵/۱۱)
TF-08	تحریف تاریخ و جنگ روایت‌ها	تحریف تاریخ به عنوان ابزار فریب	«با تاریخ گذشته نزدیک کشورتان آشنا شوید؛ چون یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است.» (۱۳۸۰/۰۸/۲۰)
TF-08		تصاحب روایت تاریخی توسط دشمن	«اگر چنانچه شما امروز به جمع‌آوری و افزودن بر سرمایه‌ی خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت.» (۱۳۹۷/۰۷/۰۴)
TF-08		ضعف در روایتگری ملی	«جوان‌های ما امروز احتیاج دارند به شناخت گذشته‌ی پُرافتخار کشور، ... ما در روایت‌ها ضعیفیم...» (۱۴۰۳/۰۸/۰۸)

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- الزامات فقهی هوش مصنوعی در مقابله با تهدیدات فرهنگی مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

مطابق پژوهش لند و آرونسون در سال ۲۰۲۰، «استفاده فزاینده از هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های بخش‌های عمومی و خصوصی، تهدیدهای قابل توجهی برای حقوق بشر، ارزش‌های فرهنگی و اصول اخلاقی ایجاد می‌کند.» این تهدیدات در جوامع اسلامی با حساسیت‌های فرهنگی و دینی خاص، اهمیتی دوچندان می‌یابد (Land & Aronson, 2020). نقش هوش مصنوعی به‌عنوان یک تهدید نرم در حوزه فرهنگ قابل توجه است. این فناوری می‌تواند به واسطه تهاجم فرهنگی و نفوذ غرب، تضعیف ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فروپاشی و تضعیف نهاد خانواده، تخریب و تضعیف هویت ملی و دینی، قدرت مخرب رسانه‌ها، ولنگاری فرهنگی، ترویج اباحه‌گری و بی‌قیدی، تحریف تاریخ و جنگ روایت‌ها، آثار منفی عمیقی بر فرهنگ و هویت ملی و دینی جامعه بگذارد. تدوین چارچوب حکمرانی اسلامی برای فناوری هوش مصنوعی، نیازمند شناسایی مجموعه‌ای از الزامات فقهی است که پایداری و کارآمدی مدل پیشنهادی را تضمین کند. در پژوهش حاضر، تمرکز بر اصولی معطوف گردید که دارای بالاترین سطح تعمیم‌پذیری (عام بودن)

و استناد به ادله قطعی در فقه امامیه باشند. انتخاب مجموعه الزامات پیش‌رو، نه بر اساس تتبع صرف، بلکه بر اساس ضرورت بنیادین برای استخراج مبانی نظری مقاوم در جهت تحقق اهداف سه‌گانه (سلبی، ایجابی و ساختاری) در هوش مصنوعی صورت پذیرفته است.

۵-۱-۱. الزامات فقهی خرد

فقه خرد و جزئی، بستر و پایه‌ای برای شکل‌گیری فقه کلان و نظام جامع فقهی است. فقه خرد، در خدمت مکلف قرار دارد و به تعیین تکلیف او در زمینه‌های مختلفی از عبادات تا معاملات و سایر ابواب فقهی کمک می‌کند. تدوین الزامات فقهی خرد در زمینه هوش مصنوعی، با هدف جلوگیری از تمامی تهدیدات فرهنگی، بر مبنای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و با عنوان «اسلامی‌سازی هوش مصنوعی» محقق می‌شود.

یکی از اصول مهم فقهی در مسائل اسلامی، جهت تعیین تکلیف مکلف در مواجهه با پدیده نوین، اصل اباحه است که به معنای جواز و اجازه انجام یک عمل یا استفاده از یک شیء بدون وجود هیچ‌گونه ممانعت شرعی است تا زمانی که نهی از شرع برسد. اکثر فقهای عظام از قبیل محقق حلی (136: 1992، al-Hilli)، میرزای قمی (511: 1992، Mirza-ye Qomi)، شیخ طوسی (Tusi، 98-68: 1986) و دیگر بزرگان امامیه، اصل در اشیاء را اباحه و منع و حظر را محتاج به دلیل می‌دانند. در واقع، طبق این اصل، اگر یک عمل یا شیء دارای هیچ‌گونه تحریمی از سوی شرع نباشد، به‌طور کلی مجاز است. البته این اصالة الاباحه برای کسی است که استصحاب را در شبهات حکمیه جاری بداند و اگر جاری نداند، اصل دیگری (اصالة الحلیة کل شیء لک حلال) جاری است که هم شبهات حکمیه و هم شبهات موضوعیه را شامل می‌شود (9: 2003، Makarem Shirazi).

اصل اباحه به‌طور گسترده‌ای در فقه اسلامی به کار می‌رود، یکی از این موارد در زمینه‌های نوین مانند فناوری و هوش مصنوعی است. اصل اباحه حکم می‌کند که استفاده از هوش مصنوعی تا زمانی که حرمت آن با دلیلی روشن نشود مجاز خواهد بود. با عنایت به مشروعیت بکارگیری هوش مصنوعی در مقاصد مشروع آنچه که در دنیای معاصر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اسلامی‌سازی هوش مصنوعی است که می‌تواند به حفظ و ترویج ارزش‌های اسلامی کمک کند. در این راستا می‌توان به آیه شریفه «وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ: بَا أَنْ خَدا نازل نموده حکم برانید» (مانده: ۴۸) و آیه شریفه: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود: ۶۱): اوست که شما

را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» استناد نمود. در این آیات بر لزوم تطابق احکام و فرآیندهای اجتماعی با آنچه خداوند نازل کرده است تأکید دارد و بر اهمیت اجرای قوانین الهی در تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله تولید فناوری‌های نوین دلالت دارد؛ زیرا در آیه آبادی زمین را به انسان واگذار نموده است که گسترش فناوری هوش مصنوعی از این دست آبادانی‌ها محسوب می‌شود.

همچنین می‌توان به کلام گهربار رسول اکرم^(ص) استناد نمود آنجا که به اهمیت انتخاب الگوها و ابزارهای صحیح در زندگی اشاره دارد و فرموده‌اند: «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَن يُخَالُ؛ مرد بر دین یار خویش است بنگرید باکی دوستی می‌کنید» (Payandeh, 2003: 507). حضرت علی نیز در نهج‌البلاغه در حکمت ۱۸۶ می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مِّنْ وَجْدَةٍ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ: دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و پیروز شود و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گرد». با توجه به اهمیت انتخاب الگوها و تأثیر هم‌نشین در روایات اسلامی و سلطه دانش، توسعه هوش مصنوعی اسلامی نیازمند تلفیق این آموزه‌ها با مبانی ارزشی و اسلامی است. با توجه به آنچه بیان شد؛ اسلامی‌سازی هوش مصنوعی نه تنها از منظر فقهی امکان‌پذیر، بلکه یک ضرورت شرعی محسوب می‌شود. از آنجا که هوش مصنوعی در ذات مباح است، طبق اصل فقهی که «الأُمُورُ بِمَقَاصِدِهَا؛ امور به قصدها و مقاصدشان است» حکم آن تابع مقاصد و کاربردهای آن است؛ بنابراین، هرگاه هوش مصنوعی در راستای اهداف مشروع و با رعایت موازین شرعی به کار گرفته شود، نه تنها مباح بلکه در برخی موارد مستحب یا حتی ممکن است واجب گردد. امکان اسلامی‌سازی هوش مصنوعی از دو منظر قابل بررسی است. نخست دیدگاه نظری (فقهی) و دیگری منظر عملی (فناورانه) است. از جنبه نظری، اسلامی‌سازی به معنای تطبیق فرآیندهای طراحی، توسعه و کاربرد هوش مصنوعی با مبانی فقهی است. از منظر عملی نیز اسلامی‌سازی هوش مصنوعی کاملاً امکان‌پذیر است، زیرا فناوری هوش مصنوعی به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر و قابل تنظیم آن، امکان تطبیق با هر نظام ارزشی را دارد. تجربه کشورهایی مانند چین که توانسته‌اند هوش مصنوعی را مطابق با ارزش‌های فرهنگی خود توسعه دهند، نشان می‌دهد که محدودیت‌های فنی جدی در این زمینه وجود ندارد. از این‌رو ایجاد یک سیستم هوش مصنوعی

مطابق با شریعت اسلام، نیازمند معماری الگوریتمی، مجموعه‌های داده‌های آموزشی، اهداف طراحی و نوع تصمیم‌گیری حامل ارزش‌های خاص و هماهنگی با اصول اسلامی است.

۵-۱-۲ الزامات فقهی کلان

فقه کلان، به حوزه‌ای از شبکه مسائل فقهی اطلاق می‌شود که در راستای پاسخگویی به مسائل نظام تدوین می‌شود. نظام، مقوله پیچیده و در هم تنیده‌ای است که فقه جزئی گاهی راهگشا و تعیین کننده تکلیف برای مسائل آن نیست. از این رو نیازمند به بازنگری فقه جزئی است تا در قالب فقه کلان، چالش‌ها و مشکلات جامعه را برطرف نماید؛ بنابراین از این حیث نیز الزاماتی باید در هوش مصنوعی لحاظ شود تا بتواند مسائل پیش روی جامعه و نظام را مرتفع کرده و در مقابل تهدیدات فرهنگی آن کارگشا باشد. در فرایند نظام‌سازی فقهی-حقوقی حوزه هوش مصنوعی، اتخاذ رویکردی مبتنی بر اصول بنیادین و کلان، به جای فروع متفرقه، اهمیت بسیاری دارد. به همین دلیل، شش اصل فقهی کلان به عنوان مستندترین و عام‌ترین چارچوب استنباطی انتخاب شده‌اند. این اصول به دلیل استناد به ادله قطعی شرع و قابلیت تبدیل به ضوابط عملیاتی و اهداف غایی در ساختار تمدن‌ساز، پایداری و صلاحیت حکمرانی لازم برای مواجهه با تهدیدات فرهنگی را فراهم می‌آورند. الزامات فقهی استنباط شده از مبانی شریعت، به عنوان یک مدل مفهومی مقاوم، باید در ساختار داده‌ها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی لحاظ شوند تا این فناوری قادر به رفع مسائل کلان اجتماعی و مقابله با تهدیدات نرم فرهنگی، در چارچوب حکمرانی اسلامی باشد.

۱- الزام به حرمت اعانه بر اِثم و عدوان

قاعده «حرمت اعانه بر اِثم و عدوان» مأخوذ از آیه شریفه: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)؛ در نیکی و پارسایی همدستی کنید نه در گناه و ستمکاری است. «تقوی» یعنی خودداری و پرهیز از عقاب خداوند به وسیله‌ی خودداری از کاری که موجب عقاب می‌شود. «اِثم» آن گناه است که شخص برخلاف وظیفه‌ی شخصی خود رفتار کند و لیکن به حقوق و حدود دیگری تجاوز نکند و «عدوان» آن است که به حقوق دیگران تجاوز شود، مانند؛ ظلم، آدم کشتن و غصب (Abu al-Futuh Razi, 1987, 6: 232) و دیگر انحراف‌های اجتماعی (Ameli, 1981, 3: 207).

برخی از فقها از این آیه شریفه حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در این آیه تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد (Yazdi-Muhaqqiq-Damad, 1986, 174: 4)؛ بنابراین آیه کریمه بر حرمت معاونت بر آنچه که گناه و تجاوز است، دلالت دارد (Naraqi, 1996: 75). مدارک و مستندات قاعده عبارت است از آیه، روایات، عقل و اجماع (Bojnourdi, 2021, 2: 225). بدین جهت به نظر می‌رسد این قاعده بتواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی هوش مصنوعی محسوب شود.

ابرس و همکاران در سال ۲۰۲۱ در پژوهش خود تأکید می‌کنند که «هوش مصنوعی با ترویج ارزش‌های غربی می‌تواند ارزش‌های بنیادین فرهنگ‌های دیگر از جمله کرامت انسانی، خودمختاری و حریم خصوصی را به شیوه‌های پیچیده و غیرمستقیم تضعیف کند.» این تضعیف ارزش‌های بنیادین می‌تواند مصداق اعانه بر اثم تلقی شود. شادسکا و همکاران در سال ۲۰۲۴ هشدار می‌دهند که «استفاده نادرست یا اشتباه از اطلاعات محرمانه درباره یک فرد در سیستم‌های هوش مصنوعی می‌تواند به پیامدهای منفی منجر شود»، به‌ویژه در مورد داده‌های حساس مانند «سلامت، جنسیت، قومیت و داده‌های بیومتریک یک فرد.» این استفاده نادرست می‌تواند مصداق کمک به ظلم و تجاوز به حقوق دیگران باشد. بر اساس این قاعده فقهی، طراحی، توسعه و استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی که به ترویج محتوای غیراخلاقی، تضعیف ارزش‌های اسلامی یا تجاوز به حقوق دیگران کمک می‌کنند، حرام است.

هوش مصنوعی به‌عنوان فناوری یادگیری ماشین، از طریق سه سازوکار اصلی می‌تواند به اعانه بر اثم و عدوان منجر شود. نخست، الگوریتم‌های توصیه‌گر که با تحلیل رفتار کاربران، محتوای مغایر با ارزش‌های اسلامی را به صورت هدفمند در معرض دید آنان قرار می‌دهند؛ دوم، سیستم‌های تولید محتوای خودکار مانند GPT که قادرند در مقیاس وسیع، متون، تصاویر و ویدیوهای مخالف عفت عمومی تولید کنند؛ و سوم، فناوری‌های دیپ فیک^۱ که امکان جعل هویت و تولید محتوای جعلی را با دقت بالا فراهم می‌آورند. در تطبیق این موارد با قاعده حرمت اعانه بر اثم، طراح الگوریتم توصیه‌گری که آگاهانه معیارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که محتوای محل عفت عمومی بیشتر نمایش داده شود، مصداق بارز معاونت در گناه است؛ زیرا علم به نتیجه و قصد تسهیل دسترسی

¹ deepfake

به محتوای حرام در کار او محرز است. همچنین توسعه‌دهندگانی که سیستم‌های تولید محتوای خودکار را بدون فیلترهای اخلاقی و ارزشی عرضه می‌کنند، در حالی که از سوءاستفاده احتمالی آگاه‌اند، مشمول این قاعده می‌شوند؛ چراکه ارائه ابزار با علم به استفاده آن در امور محرم، نوعی تسهیل و تمکین از گناه محسوب می‌گردد. بر این اساس، الزام به طراحی فیلترهای ارزشی در لایه الگوریتم، ممیزی مستمر خروجی‌های سیستم و مسدودسازی خودکار محتوای مغایر با موازین شرعی، از ضروریات فقهی در توسعه هوش مصنوعی به شمار می‌آید. این امر مستلزم نظارت دقیق بر داده‌های آموزشی، الگوریتم‌ها و کاربردهای هوش مصنوعی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی است تا از همکاری در گناه و تجاوز جلوگیری شود (Ebers et al., 2021; Shadska et al., 2024).

۲- الزام به پایبندی به مصلحت نظام

واژه مصلحت نظام، ریشه‌ای قوی در مصادر فقه شیعه و سنت دارد. از اخبار و سخنان فقیهان، بلکه ظاهر قرآن این معنی استفاده می‌شود که همه دادوستدها و غیر دادوستدها، برای مصالح و سودهای دنیوی و اخروی مردم تشریع شده‌اند، از آنچه که به نظر عرف مصلحت و سود نامیده می‌شود (Najafi, 1984, 22: 344). مصلحت نظام، بیشتر در مواردی به کار می‌رود که رعایت آن‌ها به نفع و صلاح جامعه است (Mesbah Yazdi, 2013: 285). اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که عملی شرعاً نهی صریح ندارد، اما می‌توان با توجه به مصالح موجود در جامعه، آن را تحت پوشش یکی از اعمال منهی قرار داد، در این صورت، آن عمل ممنوع است و مجازات خواهد داشت (Yazdi-Muhaqqiq-Damad, 1986, 4: 246)؛ بنابراین در مقابل اعمال حرام اعمال دیگری نیز تحقق می‌یابد که شرعاً نهی در مورد آن‌ها در شرع وارد نشده است، ولی ممکن است ارتکاب آن‌ها، مفاسد، مضرات و پیامدهای سوئی در جامعه بر جای گذارد که حکومت باید به منظور حفظ نظم عمومی و حقوق عامه و مصالح جامعه، از ارتکاب آن‌ها جلوگیری کند و مجازات معین نماید. نظام به نظامات کوچک‌تر قابل تطبیق و تعمیم است، مانند نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام اجتماعی و غیر آن از نظامات دیگر (Tabatabai et al., 2025: 81). الزام به مصلحت نظام، یعنی ملزم بودن به هر امری که به مصلحت و صلاح جامعه و نظام باشد و باعث منتفع شدن معنوی یا مادی افراد آن مجتمع شود. این اصل از اختیارات حاکم اسلامی است و حوزه این امور نیز، بیشتر آن جایی است که مصلحت جامعه اسلامی مقتضی آن است که حاکم اسلامی آن را حرام یا واجب نماید.

التخینه و همکاران در سال ۲۰۲۳ در پژوهش خود تأکید می‌کنند که «سیستم‌های هوش مصنوعی به روش‌های مختلف و اغلب مبهم داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند که می‌تواند به نفوذ فرهنگی غرب کمک کند». این نفوذ فرهنگی می‌تواند با مصلحت نظام اسلامی در تعارض باشد. همچنین شیوچنکو و همکاران در سال ۲۰۲۱ به «افزایش بیکاری و فقر، لایه‌بندی اقتصادی شدید جامعه، افزایش تبعیض و تهدید امنیت فیزیکی» به عنوان پیامدهای هوش مصنوعی اشاره می‌کنند. بر اساس اصل مصلحت نظام، تنظیم و هدایت توسعه هوش مصنوعی در مواجهه با تهدیدات فرهنگی مذکور باید به گونه‌ای باشد که منافع جامعه اسلامی را در حوزه فرهنگ تأمین کند. الزام به مصلحت نظام در توسعه هوش مصنوعی، چارچوبی برای تعدیل اثرات مخرب بالقوه فرهنگی ایجاد می‌کند. این رویکرد، با اعمال ملاحظات اخلاقی و فرهنگی در راستای مصلحت نظام فرهنگی در طراحی الگوریتم‌ها و تولید محتوا، از انتشار و تقویت ارزش‌های مغایر با هویت ملی و دینی جلوگیری می‌کند. این امر می‌تواند شامل محدودیت‌هایی در استفاده از فناوری‌های خاص، الزامات بومی‌سازی، یا توسعه فناوری‌های جایگزین باشد که با ارزش‌ها و نیازهای جامعه اسلامی سازگار باشند (Al-Tkhayneh et al., 2023; Nnamdi et al., 2023; Shevchenko et al., 2021).

۳- الزام به وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام

حرمت اختلال نظام یا وجوب حفظ کیان دین از دیر باز در عبارات فقها وجود داشته است، اما به عنوان یک قاعده فقهی خاص، در طول تاریخ مطرح نبوده است. وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در آن، از دیگر احکام اولیه است (Makarem Shirazi, 2004: 60). مراد از نظام در این قاعده، می‌تواند اموری باشد که قوام زندگی عمومی مردم متوقف بر آن است؛ به طوری که اگر اختلالی در آن‌ها حاصل شود، این اختلال موجب هرج و مرج و از بین رفتن زندگی اجتماعی و نظم عمومی شود. دیگر این که منظور، حفظ اصل اسلام و مملکت اسلامی است که حفظ آن واجب است؛ یعنی اسلام به عنوان یک دین و شریعت که دارای ساختار و هویتی متشکل از مجموعه قوانین و احکام است، باید حفظ شود؛ و آخرین مراد این که قاعده وجوب حفظ نظام، حفظ حکومت مشروع را واجب می‌شمارد.

حفظ اسلام و دفاع از اسلام در برابر دشمنی که اساس آن را تهدید می‌کند واجب است (Shahroudi, 2005, 3: 317)؛ بنابراین «وجوب حفظ نظام» علاوه بر اینکه یک امر ضروری و بدیهی

است، از مفهوم بسیاری احادیث و اخبار دینی نیز استفاده می‌شود (Montazeri Najafabadi, 1989, 302: 4).

در تطبیق قاعده وجوب حفظ نظام با هوش مصنوعی، باید به سه سطح تهدید توجه داشت. در سطح نخست، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند از طریق تولید و انتشار گسترده اخبار جعلی^۱ و روایت‌های تحریف‌شده، اعتماد عمومی به نهادهای نظام را تضعیف کنند؛ این امر به‌ویژه زمانی خطرناک می‌شود که الگوریتم‌های ریزهدف‌گذاری^۲، محتوای جعلی را دقیقاً به افرادی برسانند که بیشترین آسیب‌پذیری روانی را دارند. در سطح دوم، فناوری‌های تشخیص چهره و نظارت جمعی مبتنی بر هوش مصنوعی که توسط قدرت‌های خارجی کنترل می‌شوند، می‌توانند امنیت ملی را به مخاطره اندازند و اطلاعات حساس شهروندان را در اختیار بیگانگان قرار دهند. در سطح سوم، وابستگی زیرساختی به فناوری‌های هوش مصنوعی خارجی، امکان قطع یا دستکاری خدمات حیاتی را در مواقع بحرانی برای دشمنان فراهم می‌آورد؛ بنابراین، وجوب حفظ نظام در این حوزه مستلزم سه اقدام اساسی است. نخست، ایجاد زیرساخت‌های هوش مصنوعی ملی و استقلال فناورانه؛ دوم، تدوین پروتکل‌های امنیتی برای جلوگیری از نفوذ و دستکاری داده‌ها؛ و سوم، ایجاد سامانه‌های راستی‌آزمایی خودکار برای شناسایی و خنثی‌سازی سریع محتوای جعلی. عدم اتخاذ این تدابیر، علاوه بر نقض وجوب حفظ نظام، مصداق تسهیل اختلال در نظام نیز خواهد بود که حرمت آن از بدیهیات فقهی است.

در این راستا، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که هوش مصنوعی ظرفیت قابل‌توجهی برای دستکاری ادراک عمومی و رفتارهای اجتماعی دارد. کاولیوناتی-راگاوسکینه (۲۰۲۴) هشدار می‌دهد که سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند افراد را به سوی انتخاب‌هایی سوق دهند که در شرایط عادی به‌طور مستقل اتخاذ نمی‌کردند و از این طریق، با شکل‌دهی نامحسوس به افکار عمومی و رفتارهای انتخاباتی، حقوق بشر و بنیان‌های دموکراسی را با مخاطره مواجه سازند. همچنین شوچنکو و همکاران (۲۰۲۱) به مصادیق متنوعی از این تهدیدات از جمله تولید گزارش‌های خبری جعلی با ویدئو و صوت واقع‌نما، اجرای کمپین‌های اطلاعات نادرست خودکار و بسیار شخصی‌سازی‌شده، خودکارسازی عملیات نفوذ، حملات انکار اطلاعات و دستکاری در دسترسی

^۱ disinformation

^۲ micro-targeting

به داده‌ها، اشاره می‌کنند. در چنین شرایطی، ضرورت نظارت حقوقی و تنظیم‌گری هدفمند بر توسعه و کاربست هوش مصنوعی، به‌ویژه در حوزه‌های حساس فرهنگی، رسانه‌ای و سیاسی، بیش از پیش آشکار می‌شود. الزام توسعه‌دهندگان به طراحی سامانه‌هایی که با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مقصد سازگار باشند، در کنار کنترل داده‌های آموزشی و شفافیت الگوریتمی، می‌تواند از تشدید شکاف‌های فرهنگی و اثرگذاری نفوذ خارجی بکاهد. بر این اساس، نظارت مستمر بر فناوری‌های هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه، نقش مهمی در کاهش مخاطرات فرهنگی و حفظ ثبات اجتماعی ایفا می‌کند (Kavoliūnaitė-Ragauskienė, 2024; Asiryan, 2023; Shevchenko et al., 2021).

۴- الزام به نفی سبیل

این قاعده از آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و هیچ گاه خدا برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد» گرفته شده است. مستندات این قاعده کتاب، سنت و عقل است (Shirazi, 1992: 61- 63). در این آیه، شارع مقدس در مقام تشریع و در مقام قانون‌گذاری و در مقام بیان یک قاعده کلی در جامعه اسلامی است. هر حکمی، هر عقدی، هر معامله‌ای، هر پیمانی، هر قراردادی و هر چیزی که سبب علو کافر و استیلا کافر بر مسلم شود منفی است. بنابراین، قاعده نفی السبیل بر ادله اولیه و احکام حکومت دارد (Bojnourdi, 2021,1: 350). در این آیه خداوند تبارک و تعالی نفی جعل سبیل و برتری کافر بر مسلمان به‌طور عموم نمود است (Maraghi, 1996,2: 357).

قاعده نفی سبیل در حوزه هوش مصنوعی، سه مصداق بارز دارد که هر یک نیازمند تدبیر فقهی - حقوقی مستقل است. مصداق نخست، سلطه داده‌ای^۱ است که در آن شرکت‌های فناوری غربی با جمع‌آوری حجم عظیمی از داده‌های شهروندان مسلمان، الگوهای رفتاری، باورها و ارزش‌های آنان را شناسایی و در اختیار دولت‌های خارجی قرار می‌دهند؛ این امر نوعی سلطه اطلاعاتی است که زمینه‌ساز سلطه‌های سیاسی و فرهنگی می‌شود. مصداق دوم، انحصار الگوریتمی است که در آن سیستم‌های هوش مصنوعی غربی با تعیین اولویت‌های اطلاعاتی و محتوایی، کنترل غیرمستقیم بر افکار عمومی جوامع اسلامی اعمال می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که شهروندان مسلمان در فضای اطلاعاتی‌ای

¹ Data Colonialism

قرار می‌گیرند که معماری آن توسط ارزش‌های غربی شکل گرفته است. مصداق سوم، وابستگی فناورانه است که با عدم توسعه ظرفیت‌های بومی، جوامع اسلامی را در موقعیت تبعیت محض از فناوری‌های خارجی قرار می‌دهد و امکان هرگونه استقلال‌سازی را سلب می‌کند. در مقابله با این مصادیق، نفی سبیل ایجاب می‌کند که اولاً، جمع‌آوری و انتقال داده‌های شهروندان به شرکت‌های خارجی بدون نظارت دقیق، حرام است؛ ثانیاً، استفاده از الگوریتم‌های توصیه‌گر خارجی در حوزه‌های حساس فرهنگی بدون بومی‌سازی، جایز نیست؛ و ثالثاً، سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری‌های بومی هوش مصنوعی از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود.

همان‌طور که گفته شد استفاده از هوش مصنوعی در امور مشروع، مباح است؛ اما اگر استفاده از هوش مصنوعی منجر به استیلای فرهنگ غرب و سیطره فرهنگی دشمن کافر شود، دیگر این اباحه، نفی خواهد شد، زیرا استیلاء و سیطره فرهنگی کافر بر مسلمان یک نوع سبیل و علو است و توسط این آیه نفی می‌شود. بنابراین قاعده نفی سبیل بر ادله اولیه حکومت واقعی دارد.

شوچنکو و همکاران در سال ۲۰۲۱ هشدار می‌دهند که «هوش مصنوعی می‌تواند بسیاری از مزایای عملی دموکراسی را از بین ببرد». این تمرکز قدرت می‌تواند زمینه‌ساز سلطه فرهنگی و سیاسی بیگانگان شود. همچنین فارائونی در سال ۲۰۲۳ به مفهوم «فراتلنگر»^۱ اشاره می‌کند که در آن فناوری‌های متقاعدسازی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند «خودمختاری ذهنی افراد را تضعیف کنند» (Faraoni, 2023). این امر مصداق بارز سلطه فرهنگی از طریق ابزارهای نرم‌افزاری است. افزون بر این اوسمان و همکاران در سال ۲۰۲۳ در پژوهش خود به «تأثیر هوش مصنوعی بر حقوق و سیاست بین‌الملل» هشدار می‌دهند. آنان تأکید می‌کنند که «کشورهایی که فاقد زیرساخت‌های بومی هوش مصنوعی هستند، در معرض وابستگی فناورانه و فرهنگی به قدرت‌های تولیدکننده این فناوری قرار می‌گیرند» و این وابستگی می‌تواند «حاکمیت ملی و استقلال تصمیم‌گیری را در حوزه‌های حساس فرهنگی و سیاسی تضعیف کند». این تحلیل، مصداق روشنی از ضرورت نفی سبیل در حوزه فناوری‌های نوین است؛ زیرا پذیرش بدون قید و شرط فناوری‌های هوش مصنوعی غربی، زمینه‌ساز نوعی استعمار نوین فرهنگی و فناورانه خواهد بود (Usman et al., 2023). در این راستا گیل در سال ۲۰۲۰ به تهدیدهای هوش مصنوعی برای «آزادی‌های فردی و حقوق، انسجام و

^۱ Hypernudging

هماهنگی اجتماعی، اشتغال و رفاه اقتصادی و اعتماد به دموکراسی» اشاره می‌کند. همچنین اشرورتنزه در سال ۲۰۲۱ به «تمایل سیستم‌های هوش مصنوعی به مداخله در حقوق» با تأییراتی که «به شدت تشدید شده و توسط مقیاس، گسترش و تأثیر واقعی که هوش مصنوعی تسهیل می‌کند تهدید می‌شوند» اشاره می‌کند. بر اساس قاعده نفی سبیل، توسعه و استفاده از هوش مصنوعی باید به گونه‌ای باشد که منجر به سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی نشود. الزام به نفی سبیل در توسعه و به کارگیری هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی برای مقابله با تهدیدات فرهنگی ناشی از نفوذ بیگانگان عمل کند. این امر مستلزم توسعه فناوری‌های بومی، کنترل بر داده‌ها و الگوریتم‌ها و استقلال در زمینه هوش مصنوعی است تا از وابستگی و سلطه خارجی جلوگیری شود (Shevchenko et al., 2021; Gill, 2020; Struensee, 2021).

۵- الزام به حرمت ضرر رساندن به خود و دیگران

قاعده لاضرر و لا ضرار مستند بسیاری از مسائل فقهی است. مستندات این قاعده عقل و کتاب و سنت است (Yazdi-Muhaqqiq-Damad, 1986, 1: 131- 137). حدیث لاضرر روایتی معروف با مدلول عدم تشریع ضرر در اسلام است. به حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» یا «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَى الْمُؤْمِنِ» که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، حدیث لاضرر اطلاق می‌گردد (Kulayni, 2008, 10: 478).

در مورد سند آنچه که خاص و عام روایت کرده‌اند، وثوق به صدور این مضمون از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حاصل می‌شود (Qomi, 1992, 5: 383)؛ اما در مفاد آن که در کلمات فقها تحت عنوان قاعده لاضرر بحث شده و در این راستا دیدگاه‌های مختلفی مطرح است (Shahroudi, 2005, 3: 268). قاعده لا ضرر با اختبار نظریه نفی مشروعیت مطلق ضرر، متضمن احکام وضعی و تکلیفی و ضرر نوعی است که از هر ضرر و ضرر رساندنی، چه ضرر در مرحله تشریع و چه در محدوده روابط اجتماعی نفی شده است.

ابرز و همکاران در سال ۲۰۲۱ در پژوهش خود تأکید می‌کنند که «هوش مصنوعی می‌تواند به فرهنگ‌های بومی آسیب برساند». این آسیب می‌تواند مصداق ضرر رساندن به جامعه اسلامی باشد که طبق قاعده لاضرر حرام است. بانسال و همکاران در سال ۲۰۲۳ به «نتایج اشتباهی» که الگوریتم‌های هوش مصنوعی با «داده‌های ناکافی، ناقص و نادرست» ارائه می‌دهند و «به حقوق

اساسی افراد، تجاوز می‌کنند» اشاره می‌کنند. همچنین بیساگا و همکاران در سال ۲۰۲۳ به «خطاهای تبعیض آمیز هنگام مواجهه با چهره‌های کودکان از برخی گروه‌های قومی یا فرهنگی» اشاره می‌کنند که می‌تواند منجر به «نقض حقوق کودک برای عدم تبعیض و دسترسی برابر به خدمات» شود. این فناوری با فقدان چارچوب‌های نظارتی مناسب، می‌تواند آسیب‌های جدی و گاه جبران‌ناپذیری به حقوق اساسی افراد وارد کند. این آسیب‌ها شامل نقض حریم خصوصی، تبعیض الگوریتمی، دستکاری افکار عمومی و تضعیف هویت فرهنگی می‌شود که همگی مصادیق بارز «ضرر» در معنای فقهی آن محسوب می‌گردند. از این منظر، قاعده لاضرر نه تنها ضررهای مادی و جسمانی، بلکه آسیب‌های معنوی و فرهنگی ناشی از کاربرد نادرست هوش مصنوعی را نیز در برمی‌گیرد و مبنایی محکم برای الزام به طراحی سیستم‌های ایمن و منطبق با ارزش‌ها فراهم می‌آورد (See. Sehrawat, 2021).

این اصل توسعه‌دهندگان را ملزم به طراحی سیستم‌هایی می‌کند که به ارزش‌های فرهنگی آسیب نرسانند. این امر مستلزم ارزیابی دقیق خطرات و پیامدهای استفاده از هوش مصنوعی، طراحی سیستم‌های ایمن و قابل اعتماد و جلوگیری از تبعیض و آسیب‌های ناشی از الگوریتم‌های معیوب است (Ebers et al., 2021; Bansal et al., 2023; Bisaga et al., 2023).

۶- الزام به عدالت و انصاف

لزوم رعایت عدل و قسط و عدم ظلم در حق دیگران از اموری است که عرف، عقل، اجماع، آیات (حدید: ۲۵؛ آل عمران: ۱۸؛ نحل: ۹۰) و روایات (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۳۶۱) بر آن تأکید و تصریح دارند و از امور ضروری و بدیهی دین اسلام محسوب می‌شود.

بانسال و همکاران در سال ۲۰۲۳ در پژوهش خود تأکید می‌کنند که «الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به نفع فرهنگ‌های غالب عمل کنند و منجر به تبعیض شوند». این تبعیض مخالف اصل عدالت و انصاف در اسلام است. تورو تا در سال ۲۰۲۲ به نقض «حق فرصت برابر و عدم تبعیض» توسط سیستم‌های هوش مصنوعی اشاره می‌کند. همچنین اهیماون و همکاران در سال ۲۰۲۴ به «تعصبات ناخواسته» در سیستم‌های هوش مصنوعی اشاره می‌کنند که «نابرابری‌های اجتماعی را تشدید می‌کنند». این تبعیض به‌طور نامتناسبی بر گروه‌های آسیب‌پذیر تأثیر می‌گذارد، زیرا نقض حقوق از طریق هوش مصنوعی «بیشتر» در میان «زنان و کودکان، و همچنین برخی گروه‌های قومی،

نژادی یا مذهبی» مشاهده می‌شود. افزون بر این، آلوارز و همکاران در سال ۲۰۲۴ در پژوهشی جامع درباره سیاست‌گذاری سوگیری و انصاف در هوش مصنوعی، تأکید می‌کنند که «توصیه‌های سیاستی باید شامل چارچوب‌های عملی برای شناسایی و کاهش تعصبات الگوریتمی باشد» (Álvarez et al., 2024). همچنین زامتینا و همکاران در سال ۲۰۲۰ بر اهمیت حقوق بشر به‌عنوان ارزش جهانی در بستر توسعه هوش مصنوعی تأکید کرده‌اند (Zametina et al., 2020). الزام به عدالت و انصاف که بر رعایت عدل و قسط و عدم ظلم تأکید دارد، چارچوبی جامع برای مقابله با تمامی تهدیدات فرهنگی هوش مصنوعی فراهم می‌کند. با توجه به حصول ظلم و تعدی با نفوذ فرهنگ غرب به جسم و روح انسان، لزوم رعایت عدل و قسط در حوزه هوش مصنوعی، مانع از نفوذ فرهنگی از طریق تضمین دسترسی عادلانه به فناوری و جلوگیری از تبعیض‌های الگوریتمی می‌شود. این امر مستلزم طراحی الگوریتم‌های عادلانه، استفاده از داده‌های متوازن و نمایانگر تنوع جامعه و ارزیابی مستمر سیستم‌ها برای شناسایی و رفع تعصبات است (Bansal et al., 2023; Turuta, 2022; Ehimuan et al., 2024).

۵-۲- الزامات حقوقی هوش مصنوعی در مقابله با تهدیدات فرهنگی

مجموعه الزامات حقوقی نظام‌مندسازی هوش مصنوعی در مقابله با تهدیدات فرهنگی، مستلزم ایجاد چارچوب‌هایی است که هم‌زمان ملاحظات حقوقی را پوشش دهد (Wong, 2021)؛ چراکه فناوری‌های نوین، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای حقوق بنیادین شهروندان ایجاد کرده‌اند که بازنگری در رویکردهای موجود قانون‌گذاری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (Dhamo et al., 2023). در همین راستا، نخستین و بنیادی‌ترین گام، مقابله با تهاجم فرهنگی و نفوذ بیگانه از مسیر هوش مصنوعی است که با اتکا به اصول سوم (بندهای ۱، ۲ و ۴) و ۱۵۳ قانون اساسی - ناظر بر استقلال فرهنگی و جلوگیری از سلطه بیگانه - و ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵ امکان‌پذیر می‌گردد. این چارچوب باید شامل مقررات شفافیت الگوریتم‌های وارداتی، ایجاد نهاد نظارتی زیر نظر شورای عالی فضای مجازی با الهام از فصل هفتم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و الزام به بومی‌سازی فناوری باشد.

پس از تأمین استقلال فرهنگی در سطح کلان، گام بعدی صیانت از ارزش‌های اسلامی و سبک زندگی ایرانی است. اصل چهارم قانون اساسی بر انطباق کلیه قوانین با موازین اسلامی و اصل

بیست‌و‌چهار بر آزادی بیان در محدوده همین موازین تأکید دارد. از این‌رو، تدوین استانداردهای محتوایی با مشارکت شورای عالی انقلاب فرهنگی، انجام ارزیابی تأثیر فرهنگی پیش از ارائه خدمات هوش مصنوعی و اعمال محدودیت بر فناوری‌های محل کرامت انسانی بر مبنای بند ششم اصل دوم قانون اساسی و ماده ۶ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶ ضرورت می‌یابد.

در امتداد همین رویکرد ارزش‌محور، حفاظت از نهاد خانواده به‌عنوان کانون اصلی انتقال ارزش‌های فرهنگی اهمیتی ویژه دارد. با اتکا به اصل دهم قانون اساسی، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی ۱۳۹۵، تعیین سقف زمانی استفاده کودکان از سامانه‌های هوش مصنوعی، الزام نظارت والدین، حمایت از کارگران آسیب‌دیده از اتوماسیون با اصلاح قانون کار مصوب ۱۳۶۹ و بهره‌گیری از اصل بیست‌و‌هشت قانون اساسی و همچنین ارزیابی تأثیر خانوادگی سیستم‌ها بر مبنای بند ۹ اصل سوم قانون اساسی از الزامات این حوزه به‌شمار می‌روند. صیانت از خانواده، خود در پیوند تنگاتنگ با حفظ هویت ملی و دینی قرار دارد؛ زیرا خانواده مهم‌ترین نهاد انتقال‌دهنده هویت به نسل‌های آینده است. در این حوزه، اصل پانزدهم قانون اساسی (رسمیت زبان فارسی)، اصل بیستم (برابری حقوق ملت) و ماده ۳ اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۷ چارچوب قانونی لازم را فراهم می‌کنند. بر این اساس، تدوین قانون عدالت الگوریتمی با الهام از بند نهم اصل سوم قانون اساسی (رفع تبعیضات ناروا) و الزام به استفاده از داده‌های متنوع و متوازن فرهنگی بر مبنای مواد ۲ و ۱۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ ضروری است.

با تثبیت چارچوب‌های هویتی، توجه به کنترل محتوای رسانه‌ای تولیدشده توسط هوش مصنوعی اجتناب‌ناپذیر می‌شود؛ چراکه رسانه ابزار اصلی شکل‌دهی به افکار عمومی است. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بستر قانونی این کنترل را فراهم می‌آورند. در این راستا، تصویب قانون حفاظت از داده‌های شخصی، ایجاد نظام برچسب‌گذاری اجباری با تفسیر موسع از ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، محدودسازی فناوری تشخیص چهره با استناد به اصل ۲۲ قانون اساسی و کسب مجوز برای سامانه‌های تولید محتوا با استناد به قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ از الزامات کلیدی این حوزه‌اند. همچنین،

چارچوب‌های ارزیابی قابلیت اعتماد سیستم‌های پرخطر، امکان طبقه‌بندی سامانه‌ها بر اساس سطح خطر فرهنگی و نظارت مستمر بر عملکرد آن‌ها را فراهم می‌آورد (Stettinger et al., 2024). کنترل محتوای رسانه‌ای، به‌طور طبیعی به مسئله ولنگاری فرهنگی منتهی می‌شود که یکی از مظاهر بی‌ضابطگی در فضای مجازی است. مقابله با این پدیده با استناد به اصل ۸ قانون اساسی (امر به معروف و نهی از منکر) و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ چارچوب حقوقی می‌یابد. تدوین نظام‌نامه جامع مقابله با اخبار جعلی مبتنی بر هوش مصنوعی با الهام از ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ایجاد سازوکار نظارت انسانی بر تصمیمات خودکار بر پایه قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ از اقدامات ضروری در این زمینه است.

ولنگاری فرهنگی در شدیدترین شکل خود به ترویج اباحه‌گری و بی‌قیدی می‌انجامد که مستقیماً کرامت انسانی و اخلاق عمومی را هدف قرار می‌دهد. مقابله با این تهدید با تکیه بر اصل بیست‌وهشت قانون اساسی (حق اشتغال مشروع در چارچوب اسلام)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی) و ماده ۷ منشور حقوق شهروندی ابلاغی ۱۳۹۵ امکان‌پذیر است. تدوین استانداردهای اخلاقی الزام‌آور با بهره‌گیری از ماده ۶ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶، ایجاد سازوکارهای پیشگیری از دستکاری رفتاری و الزام به شفافیت ماهیت مصنوعی سامانه‌ها بر اساس قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ از اقدامات ضروری در این حوزه‌اند.

سرانجام، خطرناک‌ترین سطح تهدید فرهنگی، تحریف تاریخ و جنگ روایت‌هاست که ریشه‌های هویتی ملت را نشانه می‌رود. اصل سوم قانون اساسی، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶ و اساسنامه اصلاحی بنیاد ایران‌شناسی مصوب ۱۴۰۰ چارچوب قانونی مناسبی برای مقابله با این تهدید فراهم می‌آورند. تدوین قانون شفافیت الگوریتمی با الهام از منشور حقوق شهروندی ابلاغی ۱۳۹۵ و ایجاد نهاد تخصصی راستی‌آزمایی محتوای تاریخی با استناد به اساسنامه بنیاد ایران‌شناسی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی مصوب ۱۳۶۹ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضروری است.

۶- الگوی «فقهی - حقوقی تمدن‌ساز» (سه‌گانه غایت - ضابطه - ضمانت)

در نهایت، الگوی پیشنهادی «تمدن‌ساز» این الزامات پراکنده را در ساختاری سه‌لایه؛ منسجم می‌سازد. در لایه نخست «غایت»، حفظ نظام اسلامی، نفی سیل در برابر تهاجم فرهنگی، جلوگیری از تحریف تاریخ، تضعیف خانواده و ترویج اباحه‌گری به عنوان اهداف کلان از قواعد فقهی نفی سیل، لاضرر و وجوب حفظ نظام استنباط شده‌اند. لایه دوم «ضابطه»، ترجمان عملیاتی این قواعد به فهرست شش‌بندی «ارزیابی اثر فرهنگی» است که شامل اسلامی‌سازی داده‌های آموزشی، خودداری از توصیه به منکر، حفظ کرامت انسان و هویت دینی-ملی، تعیین سقف زمانی برای کودکان، برچسب‌گذاری اجباری محتوای تولیدشده و عدم القای سبک زندگی غیربومی می‌شود. لایه سوم نیز «ضمانت»، سازوکار اجرایی شامل خوداظهاری متقاضی، بازرسی مستمر سازمان فضای مجازی، لغو فوری مجوز در صورت تخلف و اعمال مجازات‌های کیفری و مدنی است. با پیاده‌سازی یکپارچه این سه لایه، نظام‌سازی فقهی-حقوقی هوش مصنوعی از مرحله «ضرورت» به «الگوی عملیاتی» منتقل می‌گردد و امکان مقابله نظام‌مند با تهدیدات فرهنگی را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مواجهه با تهدیدات فرهنگی ناشی از هوش مصنوعی، مستلزم اتخاذ رویکردی نظام‌مند است که در آن، استقرار چارچوب‌های نظارتی کارآمد نقشی محوری ایفا می‌کند. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، این تهدیدات طیف موسعی را دربر می‌گیرند. این موارد تهاجم فرهنگی و نفوذ غرب، تضعیف ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فروپاشی نهاد خانواده، تخریب هویت ملی-دینی، سلطه‌گری رسانه‌ای، ولنکاری فرهنگی، ترویج اباحه‌گری و تحریف تاریخ در قالب جنگ روایت‌ها است.

پاسخ‌گویی به این تهدیدات از منظر فقهی در دو سطح قابل تبیین است. در سطح خرد، اسلامی‌سازی هوش مصنوعی به‌مثابه طراحی هدفمند الگوریتم‌ها و داده‌های آموزشی منطبق با مبانی اسلامی، گام نخست و بنیادین این مسیر محسوب می‌گردد. در سطح کلان، قواعد فقهی شامل حرمت اعانه بر اثم، وجوب حفظ نظام، نفی سیل، لاضرر و الزام به عدالت، به‌واسطه عمومیت، قطعیت شرعی و قابلیت کاربست در حکمرانی، چارچوب مفهومی منسجمی برای مقابله با تهدیدات

مذکور ارائه می‌دهند. این اصول، ظرفیت ترسیم الگوی تمدنی سه‌سطحی (غایت، ضابطه، ضمانت اجرا) را فراهم آورده و پل ارتباطی میان فقه نظری و سیاست‌گذاری عملی را تقویت می‌نمایند. در بُعد حقوقی، الزامات تنظیم‌گرانه به‌عنوان مکمل چارچوب فقهی عمل می‌کنند. این الزامات که بر منع نفوذ بیگانه و انطباق قوانین با موازین اسلامی استوارند، باید مشتمل بر شفافیت الگوریتمی، استانداردهای محتوایی و سازوکارهای ارزیابی اثرات فرهنگی باشند. صیانت از نهاد خانواده نیز تدابیر ویژه‌ای نظیر تنظیم محدودیت‌های زمانی برای کودکان و حمایت از مشاغل خانوادگی را می‌طلبد. در حوزه هویت ملی-دینی، تصویب قانون عدالت الگوریتمی و الزام به بهره‌گیری از داده‌های متنوع بومی ضرورت دارد. همچنین، کنترل محتوای رسانه‌ای تولیدی مستلزم برچسب‌گذاری اجباری و تأسیس نهاد راستی‌آزمایی روایت‌های تاریخی است. در مجموع، اقدامات پیشنهادی نه به‌صورت منفرد، بلکه در قالب برنامه‌ای منسجم برای تنظیم‌گری هوش مصنوعی با هدف هم‌سوسازی توسعه فناوری با صیانت فرهنگی و غایات نظام اسلامی؛ قابل تحقق‌اند.

References

- Quran
Nahj al-Balagha
Abu al-Futuh Razi, H. b. A. (1987). *Rawḍ al-jinān wa rūḥ al-jinān fī tafsīr al-Qur'ān* [The garden of paradise and the spirit of paradise in Qur'anic exegesis] (1st ed.). Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation. [In Persian]
Al-Tkhayneh, K. M., Al-Tarawneh, H. A., Abulibdeh, E., & Alomery, M. K. (2023). Social and Legal Risks of Artificial Intelligence: An Analytical Study. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 12(2), 144–157. https://doi.org/10.36941/ajis-2023-0039
al-Hilli, J. b. H. (1992). *Al-Rasā'il al-tis'* [The nine treatises] (1st ed.). Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Persian]
Ameli, E. (1981). *Tafsīr-e Āmeli* [Āmeli's exegesis] (1st ed.). Sadoogh Bookstore. [In Persian]
Amended Bylaws of the Iranology Foundation, approved 2021
Álvarez, J. M., Colmenarejo, A., Elobaid, A., et al. (2024). Policy advice and best practices on bias and fairness in AI. *Ethics and Information Technology*, 26(1), 1–22. https://doi.org/10.1007/s10676-023-09716-8
Asiryan, S. (2023). Use of Artificial Intelligence During Elections: Practice, Threats to the Right to Vote and Ways to Overcome Them. *Uzhhorod National University Herald. Series: Law*, 74, 7–11. https://doi.org/10.24144/2307-3322.2023.74.1
Bansal, C., Pandey, K. K., Goel, R., Sharma, A., & Jangirala, S. (2023). Artificial Intelligence (AI) Bias Impacts: Classification Framework for Effective Mitigation. *Issues in Information Systems*, 24(1), 35–48. https://doi.org/10.48009/1_iis_2023_105
Bisaga, Y. M., Bielova, M., & Byelov, D. (2023). Challenges for Children's Rights in Connection with the Development of Artificial Intelligence. *Uzhhorod National University Herald. Series: Law*, 73, 7–11. https://doi.org/10.24144/2307-3322.2023.73.1
Bojnourdi, S. M. (2021). *Qavā'id-e feqhīyeh* [Principles of jurisprudence] (3rd ed.). Arooj Institute. [In Persian]
Bylaws of the Cultural Heritage Organization of the Country, approved 1988
Bylaws of the National Library and Archives Organization of Iran, approved 1990
Citizenship Rights Charter, promulgated 2016
Constitution of the Islamic Republic of Iran, approved 1979 with subsequent amendments
Cyber Crimes Law, approved 2009
Dehkhoda, A. A. (1994). *Loqat-nāmeḥ* [Dictionary]. University of Tehran Press. [In Persian]
Dhamo, A., Dhamo, I., & Manastirliu, I. (2023). Fundamental Rights and New Technologies. *Interdisciplinary Journal of Research and Development*, 10(1), 91–97. https://doi.org/10.56345/ijrd.v10i1.244
Ehimuan, B., Chimezie, O., OB, Akagha, O., Reis, O., & Oguejiofor, B. B. (2024). Global Data Privacy Laws: A Critical Review of Technology's Impact on User Rights. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 17(3), 590–597. https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.17.3.1498
Electronic Commerce Law, approved 2003
Family Protection Law, approved 2012
Faraoni, S. (2023). Persuasive Technology and Computational Manipulation: Hypernudging Out of Mental Self-Determination. *Frontiers in Artificial Intelligence*, 6, 1–13. https://doi.org/10.3389/frai.2023.1128974

- General Policies on the Family, promulgated 2016
- Gill, K. (2020). Ethics of Engagement. *AI & Society*, 35(4), 1135–1145. https://doi.org/10.1007/s00146-020-00947-7
- Ienina, I., Ovcharenko, O., Opuschko, N., Chumak, M., Zahorodnia, T., & Dorofieiev, O. (2023). Major Trends in Today's Intelligent Robotics in Light of the Creation of Collaborative Artificial Intelligence. *BRAIN: Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*, 14(1), 165–180. https://doi.org/10.18662/brain/14.1/406
- Islamic Penal Code, approved 2013
- Kavoliūnaitė-Ragauskienė, E. (2024). Artificial Intelligence in Manipulation: The Significance and Strategies for Prevention. *Baltic Journal of Law & Politics*, 17(1), 72–97. https://doi.org/10.2478/bjlp-2024-0004
- Khamenei, S. A. (1991, December 11). Bayānāt dar dīdār-e a'zā-ye shūrā-ye 'ālī-ye enqelāb-e farhangī [Statements at the meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (1994, September 12). Bayānāt dar āghāz-e kār-e dahomīn gerdahmā'ī-ye sarāsārī-ye a'emme-ye jom'e [Statements at the opening of the 10th national gathering of Friday prayer leaders] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2014, July 12). Bayānāt dar dīdār-e shā'erān [Statements at the meeting with poets] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. https://www.leader.ir/en/content/18487 [https://www.leader.ir/en/content/18487]. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2016, June 5). Bayānāt dar dīdār-e ra'īs va namāyandegān-e majles-e shūrā-ye eslāmī [Statements at the meeting with the Speaker and representatives of the Islamic Consultative Assembly] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2019, May 1). Bayānāt dar dīdār bā mo'allemān va farhangīyān [Statements at the meeting with teachers and educators] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. https://www.leader.ir/fa/speech/22570 [https://www.leader.ir/fa/speech/22570] [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2025, February 17). Bayānāt dar dīdār-e mardom-e Āzarbāyjān-e Sharqī [Statements at the meeting with the people of East Azerbaijan] [Speech transcript]. The Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. https://www.leader.ir/en/content/27997 [https://www.leader.ir/en/content/27997]. [In Persian]
- Kulayni, M. b. Y. (2008). *Al-Kāfi* [The sufficient] (1st ed.). Dar al-Hadith for Printing and Publishing. [In Persian]
- Land, M. K., & Aronson, J. D. (2020). Human rights and technology: new challenges for justice and accountability. *Annual Review of Law and Social Science*, 16(1), 223–240. https://doi.org/10.1146/annurev-lawsocsci-060220-081955 [https://doi.org/10.1146/annurev-lawsocsci-060220-081955]
- Labor Law, approved 1990
- Law on Publication and Free Access to Information, approved 2009
- Law on Strengthening and Developing the National Standards System of the Country, approved 2017
- Law on the Aims and Duties of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, approved 1986

- Law on the Aims and Duties of the Ministry of Education, approved 1987
- Law on the Protection of Consumer Rights, approved 2009
- Law on the Punishment of Persons Who Engage in Unauthorized Activities in Audiovisual Affairs, approved 2007
- Makarem Shirazi, N. (2003). Ketāb al-nikāh [The book of marriage] (1st ed.). School of Imam Ali ibn Abi Talib. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2004). Ta'zīr va gostareh-ye ān [Discretionary punishment and its scope] (1st ed.). School of Imam Ali ibn Abi Talib. [In Persian]
- Maraghi, S. M. b. A. H. (1996). Al-'Anāwīn al-fiqhīya [The jurisprudential titles] (1st ed.). Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2013). Behtarīn-hā va badtarīn-hā az dīdgāh-e Nahj al-balāgha [The best and the worst from the perspective of Nahj al-Balagha] (5th ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Mirza-ye Qomi, A. b. M. H. (1992). Jāme' al-shetāt fī ajvabāt al-so'ālāt [The collector of scattered responses to questions] (1st ed.). Kayhan Institute. [In Persian]
- Montazeri Najafabadi, H. A. (1989). Mabānī-ye feqhī-ye hokūmat-e eslāmī [Jurisprudential foundations of Islamic government] (M. Salavati & A. Shokuri, Trans.; 1st ed.). Kayhan Institute. [In Persian]
- Najafī, M. H. (1984). Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'ī' al-Islām [The jewels of speech in commentary on the Islamic laws] (7th ed.). Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Persian]
- Naraqi, A. b. M. M. (1996). 'Awā'id al-ayyām fī bayān qawā'id al-aḥkām [The returns of the days in explaining the rules of rulings] (1st ed.). Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Persian]
- Nnamdi, N., Ogunlade, B. Z., & Abegunde, B. (2023). An Evaluation of the Impact of Artificial Intelligence on Socio-Economic Human Rights: A Discourse on Automation and Job Loss. *Scholars International Journal of Law, Crime and Justice*, 6(6), 215–223. https://doi.org/10.36348/sijlcj.2023.v06i06.001
- Payandeh, A. (2003). Nahj al-fasāḥah [The path of eloquence] (4th ed.). Donyā-ye Dānesh. [In Persian]
- Qomi, S. M. H. R. (1992). Al-Qawā'id al-fiqhīya (Muntaqā al-uṣūl) [Jurisprudential principles: Selected fundamentals] (1st ed.). Amir Printing House. [In Persian]
- Risse, M. (2019). Human rights and artificial intelligence: An urgently needed agenda. *Human Rights Quarterly*, 41(1), 1-16. https://doi.org/10.1353/hrq.2019.0000
- Sehrawat, M. (2021). Impact of Artificial Intelligence on Human Rights: Special Reference to COVID-19. *International Journal of Advanced Academic Studies*, 3(1), 384–388. https://doi.org/10.33545/27068919.2021.v3.i1f.511
- Shahroudi, S. M. H. (Ed.). (2005). Farhang-e feqh motābeq-e mazhab-e Ahl al-Bayt [Encyclopedia of jurisprudence according to the school of the Ahl al-Bayt] (1st ed.). Institute for the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the School of the Ahl al-Bayt. [In Persian]
- Shevchenko, E., Efremova, A., Titarenko, D., Voloshin, A., & Artyukhova, I. (2021). Assessment of Risks and Threats to the Development of Artificial Intelligence Technologies. *E3S Web of Conferences*, 291, 05028. https://doi.org/10.1051/e3sconf/202129105028
- Shirazi, S. M. H. (1992). Al-Fiqh, al-qawā'id al-fiqhīya [Jurisprudence: The principles of jurisprudence] (1st ed.). Imam Reza (AS) Institute. [In Persian]

- Stettinger, G., Weissensteiner, P., & Khastgir, S. (2024). Trustworthiness Assurance Assessment for High-Risk AI-Based Systems. *IEEE Access*, 12, 37476–37493. https://doi.org/10.1109/ACCESS.2024.3364387
- Struensee, S. von. (2021). The Role of Social Movements, Coalitions, and Workers in Resisting Harmful Artificial Intelligence and Contributing to the Development of Responsible AI. *Social Science Research Network*, 1–39. https://doi.org/10.2139/ssrn.3897729
- Tabatabai, S. F., Mohammad Hosseinzadeh, A., & Mansouri Sierchi, M. (2025). Hokm-e taklifi-ye mo'amalat-e interneti-ye bāynari āpshon [The jurisprudential ruling of binary options transactions]. *Motāle'āt-e Feqh-e Eslāmi va Mabāni-ye Hoquq*, 19 (51), 67–90. [In Persian]
- Turuta, O. (2022). Artificial Intelligence Through the Prism of Fundamental Human Rights. *Uzhhorod National University Herald. Series: Law*, 70, 32–36. https://doi.org/10.24144/2307-3322.2022.70.6
- Tusi, M. b. H. (1986). *Al-Khilāf [The differences]* (1st ed.). Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
- Usman, H., Tariq, I., & Nawaz, B. (2023). In the Realm of the Machines: AI's Influence Upon International Law and Policy. *Journal of Law and Legal Studies*, 4(1), 25–42. https://doi.org/10.55529/jlls.41.25.42
- Wong, A. (2021, January). Ethics and regulation of artificial intelligence. In *IFIP International Workshop on Artificial Intelligence for Knowledge Management* (pp. 1-18). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-80847-1_1
- Yazdi-Muhaqqiq-Damad, S. M. (1986). *Qavā'ed-e feqh [Principles of jurisprudence]* (12th ed.). Center for the Publication of Islamic Sciences. [In Persian]
- Zametina, T., Kombarova, E., & Balashova, E. (2020). Human Rights as a Universal Value in the Context of Artificial Intelligence Development. *Proceedings of the XIV European-Asian "The Value of Law" (EAC-LAW 2020)*, 92, 657–661. https://doi.org/10.2991/aebmr.k.201205.110

